
مجموعه اشعار

مریم خرمشاهی

(شقایق)

با مقدمه

استاد بهاء الدین خرمشاهی

خرمشاهی، مریم مجموعه اشعار مریم خرمشاهی / مریم خرمشاهی؛ با مقدمه بهاءالدین خرمشاهی- قم، وثوق، ۱۳۹۰ ۲۹۶ ص. (زرکوب) شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۷-۰۷۰-۹	۱. شعر فارسی- قرن ۱۴. الف. خرمشاهی، بهاء الدین، مقدمه نویس. ب. عنوان. PIR ۷۶۱۴ / ۳ خ ۴۱۳۹۰
---	---



دفتر مرکزی:

قم: خیابان صفاییه/ کوچه ۲۸ (بیگدلی)/ کوچه ۹/ پ ۱۵۹/ تلفکس: ۷۷۳۵۷۰۰

همراه: ۹۱۲۲۵۲۵۸۳۹

تهران: خیابان انقلاب/ ابتدای کارگر جنوبی/ ابتدای وحید نظری/ بن بست

بختیاری/ پ ۱/ طبقه ۲/ تلفن: ۶۶۹۷۱۲۳۱/ همراه: ۹۱۲۲۵۲۵۸۳۹

مرکز بخش:

کاشان: میدان کمال الملک/ کوچه نیش پلاس شیرین/ ساختمان شرکت فرش/ واحد ۱۶

مؤسسه کلک زرین/ تلفن: ۲۴۶۲۱۰۲-۲۴۶۲۱۰۳

مجموعه اشعار مریم خرمشاهی

با مقدمه بهاءالدین خرمشاهی

ناشر: انتشارات وثوق

چاپ اول: ۱۳۹۰/ ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی: سجاد

صحافی: دانشمند

صفحه آرایی: واحد آماده سازی انتشارات وثوق

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات وثوق می باشد.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۷-۰۷۰-۹

سایت اینترنتی: WWW.Yosoogh.com

پست الکترونیکی: yosoogh_m@yahoo.com

فهرست

غزل	۵۱	فاصله
وسعت زندگی	۵۲	صدای لحظه‌ها
سبزترین شعر	۵۳	تحریر غربت
سربداران	۵۴	پیشباز
طلب خیر	۵۵	شبی با ماه
قرعه‌ی اقبال	۵۶	بهشت درویش
در یک حراج	۵۷	شوق حضور
سرمستی رویا	۵۸	سفر پنهان
پیش از آب و گل من	۵۹	مصرع پایانی
تا شقایق هست	۶۰	حسن محراب
قصه‌ی حیرت	۶۱	آستانه‌ی معراج
خورشید سواران	۶۲	چرا همیشه؟
بی قرار	۶۳	سوسوی گریزان
کوچ	۶۴	چانه زنی
می‌دانم بدانید	۶۵	پیشه‌ی شقایق‌ها
ترانه من	۶۶	جزر و مد
عمیق داغ	۶۷	به احترام علی
پی نگاه	۶۸	نذر شقایق
رسم بی‌بی	۶۹	ردیف حال
دولت فقر	۷۰	از آن سوی دیوار
گل سرخ	۷۱	کنکاش
خیال ماه	۷۲	ساغر امکان
ماندنی	۷۳	نوبر
نکو داشت مسیح کاشانی	۷۴	حلقه‌ی خاموش
امام صبح	۷۵	حال خوش
غدير	۷۶	سفینه‌ی ناسازگار
مهر علی	۷۷	رویای حج
همزاد مریم	۷۸	چه توان کرد؟
رهنمای گم شدگان	۷۹	بی شعله
قاف احساس	۸۰	هم ناله
تفسیر شعر من	۸۱	نوش دارویی و

۱۲۲.....	مرا بنواز کولی	۸۲.....	تفاوت
۱۲۳.....	آخرین جام	۸۳.....	بر سر خاک
۱۲۴.....	منت آشنایی	۸۴.....	سبزه‌ی غمگین
۱۲۵.....	نا باوری	۸۵.....	فرموده‌ی یار
۱۲۶.....	نشان عشق	۸۶.....	سزاوار دیدار
۱۲۷.....	پرواز غریب	۸۷.....	راز می فروش
۱۲۸.....	صورت الست	۸۸.....	سازش
۱۲۹.....	کوچه‌ی محبوب	۸۹.....	سر سلامتی
۱۳۰.....	هذیان مان	۹۱.....	سنگ می زند
۱۳۱.....	شکر خدا	۹۲.....	بی خبران
۱۳۲.....	قد قامت حبیب	۹۳.....	آخرین نگاه
۱۳۳.....	آخرین پرواز	۹۴.....	گره‌ی کور
۱۳۴.....	صبرانه گریستم	۹۵.....	مکتب اشراق
۱۳۵.....	سرنوشت من	۹۷.....	پژواک
۱۳۶.....	تقدیر یا تغییر؟	۹۸.....	با تو جمعم
۱۳۷.....	آتش تمنای	۹۹.....	تو همانی
۱۳۸.....	بی صدا	۱۰۰.....	حماسه‌ی تو
۱۳۹.....	آینه هر چه دید	۱۰۱.....	دور مستی
۱۴۰.....	غایب آشکار	۱۰۲.....	پیغام وصل
۱۴۱.....	اقتدار سکوت	۱۰۳.....	وفای تو
۱۴۲.....	خواب وصل	۱۰۴.....	طبيب خوبان
۱۴۳.....	کاروان پیام	۱۰۶.....	سرود مهربانی
۱۴۴.....	آوای پروین	۱۰۸.....	رقص آسمانی
۱۴۶.....	آخرین فرهاد	۱۰۹.....	باور ساده
۱۴۷.....	آخرین غزل	۱۱۰.....	یادش به خیر
	مثنوی	۱۱۱.....	خیال تنهایی
۱۵۱.....	ساقی نامه	۱۱۲.....	سهم من
۱۵۴.....	مناجات	۱۱۳.....	پیمان تو
۱۵۸.....	با نام دوست	۱۱۴.....	غریبانه
۱۶۱.....	از جنس حضور	۱۱۶.....	هم آغوش دریا
۱۶۳.....	یاد دیروز	۱۱۸.....	آیین دلداری
۱۶۶.....	شهر آرفانی	۱۱۹.....	دلدادگان عشق
۱۶۹.....	چهل ماندگار	۱۲۰.....	سهراب
		۱۲۱.....	زبان شقایق

مرثیه‌ها	۱۷۱	شاه خوبان
در سوک اعتبار	۱۷۲	زنده‌ی محراب
مرد نامدار	۱۷۴	خواب پیدا
با همایون	۱۷۶	سوگند نامه
یک سینه افتخار	۱۷۹	این وقت شب
یاد حامی	۱۸۱	نوای جاودان
صفا رفت	۱۸۳	بیا خواب دیدم
دوبیتی پیوسته	۱۸۵	«شتر در خواب ببند پنبه دانه»
ستاره، ماه، شقایق	۱۸۸	دل‌م گرفته
گذرگاه مهر	۱۸۹	مثنوی همسایه
شکوه استقبال	۱۹۴	شاهزاده‌ی عشق
بذر دیدار		قصیده و قطعه
خمار پندار	۱۹۹	خورشید تابنده
شکو‌فهی ذوق	۲۰۲	وصال محمّد(ص)
مژده‌ی بزرگ	۲۰۴	هشدار!
باتوی مسلمان	۲۰۶	پیل‌ه‌ی آشوب
سایه‌ی جدایی	۲۰۸	خوش آمدید
شعر نو	۲۰۹	روز یکشنبه
برای خلیج همیشه فارس	۲۱۱	اگر
کلمات آزاد		اخوانیات
آفتاب میخانه	۲۱۵	از تبار تو
آوای خاموش	۲۱۶	نشان لطف
رباعیات و دوبیتی‌ها	۲۱۷	طناز
اشعاری از مرحوم پدرزنده‌یاد مهدی خرمشاهی	۲۱۸	محک
مناجات	۲۱۹	رنگ آشنا
ملاقات	۲۲۰	ای حاج مدرّس

خانم عزیزم عزیزم بنی سببیت را در دلمه ام پیش برابر آمدن علم که اندر نشسته، تا دست
که ختم این مرد را در دست خود داشته ۲۰۰ کی در صحن تمام که از سر لطف بسته است
نه گفتم که چنانچه آن مرد از ادب است و ذوق پاکیزه می کنم اگر چه نامش است

عزیزم دیو سببیت را در دلمه ام پیش برابر آمدن علم که اندر نشسته، تا دست
آن زشته که در دست دل او جادار و راه بسته است به حریمت و جادو
پسردی کند از خط و دل او جادار و راه بسته است به حریمت و جادو

در دست و در دست
۱۳۸۹/۵/۵

هزار و سوسه در جام از نگاه تو فند

خشت به گردن من باز هم گداز تو فند
اگر چه بوسه شیرین، گلی زخم به جانت

شود چو شبنم دانه در در بر خواه تو فند
زخم به سگ بلا، قلب بچو آینه ام را

همیشه کوه غلط داده از شانی خود را
به لب بر آنگه به هر قطعه از نگاه تو فند

دوم به راه خطا تا بهم به راه تو فند
کبوترانه دلم در چای نذر تو آمد

ز هر چه آدم عالم ربوده ای دل دین را
اگر به دلم تو انکار رست تو فند

مگر فرشته از این پس به درگاه تو فند

بهاء الدین خرمشهر

پنجم آذرماه ۱۳۸۹

به نام خدا

پیشگفتار

غزل در ادب عربی و گویا در شعر فارسی هم از تشبیب و آغازۀ قصیده جدا شده است. در شعر عربی هنوز هم قصیده برای سنت‌گرایان مهم‌ترین قالب شعری است اما در شعر فارسی، اوج‌گراترین و خوش‌دست‌ترین قالب غزل است. البته رباعی هم از آغاز شعر فارسی تا امروز از مقبول‌ترین و مطبوع‌ترین قوالب شعری است.

از رودکی کمتر از ده غزل باقی مانده، اما پس از او در قرن پنجم سنایی و در قرن ششم انوری و ظهیر فاریابی و خاقانی، و در قرن هفتم عطار و مولانا و سعدی و در قرن هشتم حافظ و سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی غزل را به اوج و اعلا علیین رسانده‌اند. عبدالرحمن جامی با آنکه به حق خاتم الشعرا خوانده می‌شود ولی در غزل ید بیضایی ندارد اگرچه در مثنوی سرایی جایگاهش رفیع است.

از قرن دهم تا دوازدهم غزل، سرشت و سر نوشتی دیگر یافت و سبک تازه‌ای پدید آمد که به سبک هندی معروف است. در این سبک صائب و عرفی و حزین و کلیم کاشانی و بیدل دهلوی و چند تن دیگر این شیوۀ تجربه و طبیعت‌گرایانه و واقعه‌گویانه {= طرز و مکتب وقوع} را به کمال رساندند.

در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم دورۀ بازگشت به سبک قدما یعنی بیشتر سبک خراسانی در قصیده و سبک عراقی در غزل آغاز و انجامی دارد. حبیب خراسانی و فروغی بسطامی از برجسته‌ترین شعرای این نهضت به شمار می‌آیند. در دورۀ مشروطیت تا عصر پهلوی اول همه قالب‌ها، به ویژه با درونمایۀ اجتماعی، احیا می‌گردد.

میرزادۀ عشقی، نسیم شمال (اشرف الدین حسینی قزوینی)، عارف، و فرخی یزدی، و از همه برجسته‌تر ملک الشعرای بهار هرگونه شعر اجتماعی و حتی سیاسی می‌سرایند.

در اوایل قرن چهاردهم هجری افسانۀ نیما یوشیج {علی اسفندیاری} خبر از طلوع تازه می‌دهد در نیمۀ اول این قرن، مهم‌ترین واقعه ادبی نهضت نوگرای نیماست. پروین اعتصامی سبک کهن و مضامین تازه مردمی و همه‌پسندی عرضه می‌دارد.

مناقشه بین نیما و نوسرایان پیرو او از یک سو، و شاعران کهن پرداز سنت‌گرا از جمله حمیدی شیرازی چند دهه ادامه دارد.

با حضور پیروان سخنور و برجسته نیما از جمله شهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، فریدون توللی، هوشنگ ابتهاج (م. الف. سایه)، منوچهر آتشی، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، اسماعیل خویی، فروغ فرخزاد، نادر نادرپور و چند تن دیگر، شعر نو اوج می‌گیرد و به نوعی قبول عام می‌یابد. اگر چه کهن سرایان و سنت‌گرایان بزرگی چون ملک الشعرای بهار، امیری فیروز کوهی، شهریار و چند تن دیگر، بی‌اعتنا به شعر نو، به شیوه کلاسیک نو آثار ارجمندی عرضه می‌دارند. بزرگانی چون پرویز ناتل خانلری، سیمین بهبهانی، حسین منزوی و عده‌ای دیگر در قالب‌های کهن، نوآفرینی و تازه‌سرایي می‌کنند.

مهم‌ترین نکته درباره شعر نو، اعم از نیمایی، و شاملویی (شعر سپید با بزرگانی چون خود ایشان و شادروان بیژن جلالی و احمد رضا احمدی) این است که نه تنها قالبش جدید است، بلکه محتوا و حتی فراتر از آن جهان بینی حاکم بر شعر نیز بتمامه امروزی است. امروزه جدال سنت و مدرنیته، یا کهنه و نو به بهترین وجه به مسالمت و مصالحه ختم شده است. و شاعران هر شیوه بدون دغدغه شعر خود را می‌سرایند. همین است که غزل و رباعی (و نه چندان قصیده یا قالب‌های دیگر) حیات تازه یافته است. و مهم این است که این دو قالب، در عین حفظ اصالت کهن، محتوای نو، و حتی امروزی دارند.

در اینجا است که جایگاه اجتماعی / فرهنگی و ادبی شاعر شیوا سرای، بانو مریم خرمشاهی، خویشاوند هنرمند نگارنده این سطور روشن‌تر می‌گردد. او استاد در سرودن غزل کلاسیک نوین است.

هنر اصلی او در غزل است اگر چه مثنوی‌ها و رباعیات و دوبیتی‌های پرشور و حالی هم دارد.

به این ابیات و نمونه‌ها که از شعر شیوای او که به نحو بدیعی بیان نو و صلابت کلاسیک دارد توجه فرمایید:

--- بیا که سبزترین بیت شعر ایمانی

طراوت نفس کوچه‌های بارانی (تاپایان غزل)

--- بیایید باران شویم و بباریم

گل عشق در شوره زاران بکاریم (تاپایان غزل)

--- می‌خورد قرعه اقبال به نام من و تو

می‌شود عاقبت ایام به کام من و تو (تاپایان غزل)

--- تاریخ مازامتهم می‌ساخت یک عمر

خاموش بودیم وستم می‌تاخت یک عمر (تاپایان)

--- می خواهم از دل بگویم صد شعله‌ام در کمین است
 می سوزد اوراق دفتر از بس سخن آتشین است
 --- تو خوب تر از منی ولی می دانم
 یک بار دل تو مثل من تنگ نشد
 --- و این بیت بلند از یک غزل
 دل در شکستن با خدا نزدیک تر بود
 تا می شکست آینه‌ها تکثیر می شد
 --- این بیت از یک مثنوی:
 ذهن من با تو هم اندازه شده است
 واژه‌ها از تو تر و تازه شده است
 --- اولین شعرهای شیرینم
 آخرین انتظار فرهام
 لیلی دشت‌های مجنونم
 جز جنون یادگار ننه‌ادم
 و این بیت دوم از یک رباعی:
 از صبح ازل که عشق را حس کردم
 دیوانه لاله الا اللهم
 و این رباعی اجتماعی و اخلاقی دلنشین:
 هر کس که شد آشنای مردم مرد است
 سوزاند دلی برای مردم مرد است
 مردانه چو پوریا در اوج قدرت
 افتاد به خاک پای مردم مرد است
 نیز این دو بیتی بابا طاهری:
 پریشب گریه پی اندازه کردم
 به یاد خاطر من را تازه کردم
 برام آخر دل صد پاره‌ای ماند
 نشستم تا سحر شیرازه کردم
 و این رباعی عرفانی و عرفان شناسانه:
 در عشق هر آن که شوق نامی دارد
 اندیشه بیهوده و خامی دارد

بگذر ز من و ما که طریقت این است
 هرکس که ز خود رست مقامی دارد
 --- با غم نفسی به سر رود بسیار است
 با مهر و وفا حیات جاوید کم است
 --- گفتی به قیامت است دیدار و هنوز
 زان وعده تو جهان به کامست مرا
 --- یک گام ز خود برون نهادن عشق است
 در راه طلب حجاب ما تردید است
 --- جدایی را ز وصلت بیش خواهم
 که پیش ماست در هجرون خیالت
 هرچند که شایسته تو رفتن ماست
 در پای تو کار ما نشستن باشد
 --- اگر بشکافی از هم سینه‌ام را
 کلم بینی تو را می‌خواهد از من
 هرچند که در قمار دل برد نبود
 در پای تو هر که باخته باخته نیست
 --- شکسته در گلو آوازم امروز
 ولی روزی گل فریاد بودم
 --- صورت نبست در دل ما کینه کسی
 آینه هرچه دید فراموش می‌کند
 شاید قول نظامی، نصب العین خانم خرمشاهی بوده است همان بیت که می‌گوید:
 به که سخن دیر پسند آوری
 تا سخن از دست بلند آوری
 از اینها که نقل شد و نظایر اینها در دفتر این شاعر کم گوی و گزیده گوی بسیار است.
 طبع بلند او زاینده و دولت عشق و عرفان او پاینده باد.

دوستدار و دعاگو

بهاءالدین خرمشاهی

تهران، عید غدیر خم ۱۴۳۱ ق

چهارم آذرماه ۱۳۸۹